

## جامعه پساگذار

جنبش زن، زندگی، آزادی هم اکنون هفتمین ماه زندگی پر شکوه، مستمر و پر تلاطم خود را پشت سر میگذارد. این جنبشی است عمیقاً رادیکال در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که تحقق خواسته های حداقل آن دگرگونی و فروپاشی جمهوری اسلامی و مناسبات حاکم را الزام آور میکند. مهمترین خواسته عاجل این جنبش، گذار از حکومت و مناسبات مذهبی به حکومتی سکولار و مناسبات سیاسی و اجتماعی ای که در آن شهروندان – و نه نمایندگان خود گمارده امامان و پیغمبران - به تنظیم امور خود و مدیریت جامعه همت گذارند. مهمترین و عاجل ترین سوآلی که اپوزیسیون سیاسی ایران باید به آن بپردازد مختصات مناسبات سیاسی-اجتماعی این جامعه مدنی پساگذار است.

### در زمینه سیاسی:

- روابط سیاسی مابین شهروندان و دستگاه دولتی بر مبنای دموکراسی، یعنی حق و شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود چه با رای مستقیم و چه با انتخاب نمایندگان خود.
- جدایی دین از نهاد حکومت و استقلال سه قوه اجرایی، مقننه و قضایی از یکدیگر.
- دوره ایی کردن مقامهای عالیرتبه دولتی (همانند ریاست جمهوری، نخست وزیری، قضات عالی و...) به همراه محدودیت زمانی بخاطر جلوگیری از تمرکز قدرت و فرد محوری.
- تضمین آزادیهای فردی مانند آزادی بیان، قلم، عقیده، مذهب و... آزادیهای سیاسی مانند تحزب و سازماندهی سیاسی، اعتصاب، اعتراض، تحصن و نافرمانی مدنی، و... آزادیهای اجتماعی در تشکیل سازمان ها، کانون ها و سندیکاهای صنفی و حرفه ای و سازمانهای مطبوعاتی و شبکه های اجتماعی و رسانه ای و....
- برابری همه آحاد جامعه در مقابل قانون، برابری زن و مرد، برابری اقلیت های قومی، مذهبی، ملیتی، جنسی، جنسیتی و نژادی.
- لغو مجازات اعدام و ممنوعیت اعمال هر نوع شکنجه جسمی و روانی.
- عفو عمومی تمامی کارمندان و مستخدمین دستگاههای امنیتی و پلیسی و نظامی رژیم جمهوری اسلامی و رژیم پهلوی بجز کسانی که مستقیماً در جنایات و نقض حقوق بشر مسئولیت داشته اند. محاکمه این دسته از افراد نه از زاویه انتقام جویی، بلکه به خاطر دست یافتن به حقیقت است و این افراد نیز حق برخورداری از دادگاه های عادلانه، و انتخاب آزاد وکلای مدافع خود را دارند.
- تدوین سیاست خارجی بر اساس حفظ منافع مردم ایران، تعامل با همه کشور های جهان بر مبنای حقوق بین المللی، کوشش در حل مسالمت آمیز مناقشات فرا مرزی و پرهیز از جنگ و خشونت.

### در زمینه اجتماعی:

نظام دموکراسی سیاسی بدون دستیابی شهروندان به حقوق اجتماعی و اقتصادی، نظامی است ناپایدار. در ایران، بخصوص با توجه به شکافهایی عمیق در ثروت و درآمد، در دسترسی به مسکن، به بیمه های اجتماعی و به امکانات آموزشی بر مبنای مؤلفات طبقاتی (طبقه کارگر، کارمندان، بازنشستگان...)، جنسی (تضیقات اقتصادی و حقوقی بر ضد زنان) و قومی و مذهبی (اجحافات اقتصادی و حقوقی بر ضد

اقلیت های کرد و بلوچ و.. سنی وبهایی و..)، نیروهای سیاسی در جامعه پساگذار باید عاجلا" برنامه اقتصادی و اجتماعی پیشرفته ایی عرضه کنند که احاد حداقل ان بقرار زیر است:

- تصاحب شرکتها و سازمانهای اقتصادی اییکه امروزه در دست سپاه، انواع بنیاد ها، اوقاف و مهره های اصلی رژیم جمهوری اسلامی میباشند. برنامه ریزی تخصصی برای بکار انداختن و سرمایه گذاری این منابع در جهت رشد اقتصادی، ایجاد کار و ارائه سرویس های اساسی به بخشهای کم درآمد جامعه.
- تدوین قوانین مربوط به حقوق کارگران و کارمندان و کمک به استحکام و استقلال سازمانهای سندیکایی و صنفی.
- برنامه ریزی اقتصادی، با مؤلفه مالیات تصاعدی بر درآمد و ثروت، جهت ایجاد رشد اقتصادی بهمراه سیاستهای اقتصادی اییکه منجر به تعدیل تفاوت درآمد ها و ثروت ها گردد.
- سرمایه گذاری گسترده در مسکن، بهداشت و آموزش؛ تضمین آموزش عمومی و بیمه تندرستی برای همه شهروندان.
- اختصاص بودجه های ویژه جهت رشد اقتصادی اقلیت های قومی و مذهبی و مناطق محروم کشور.
- اختصاص بودجه های ویژه جهت بالا بردن درجه شرکت زنان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی (بعنوان نمونه، مهد کودک رایگان، حق مرخصی با حقوق در دوران بارداری و بعد از زایمان و...)؛ در جهت برابری دستمزد با مردان؛ و در جهت بالا بردن آگاهی اجتماعی در مورد ستم و نابرابری جنسی.

#### ساختار اقتصادی و حکومتی:

شرایط عینی و ذهنی جامعه ایران، و همچنین تجربیات ساختارهای غیر سرمایه داری ("سوسیالیستی") در جهان، امکان تحقق ساختار اقتصادی دیگری بجز سرمایه داری را در جامعه پساگذار فراهم نمی آورد. طبیعتاً این روابط سرمایه داری اگر از طرف دولت و نمایندگان مردم کنترل و هدایت نشود، به بیراهه خواهد رفت. در واقع این شرکت فعال کارگران و کارمندان و زنان و دیگر اقدشار جامعه از طریق سندیکاها و اصناف و دیگر سازمانها و انجمن ها، بهمراه سازمانهای سیاسی مترقی است که میتواند بند های لازم را بر سرمایه بزند و از لجام گسیختگی آن جلوگیری کند. اینکه کارگران و دیگر اقدشار زحمت کش جامعه تا چه حد از حقوق اجتماعی و اقتصادی برخوردار شوند رابطه ایی مستقیم با درجه تشکل آنها و مشارکت سیاسی اشان در جامعه دارد.

ساختار حکومتی جامعه پسا گذار، جمهوریت است. مشخصات این جمهوری و دقایق روابط بین ارگانهای آن را قانون اساسی تعیین میکند. مثلاً" اینکه این جمهوری با رئیس جمهوری قدرتمند (سیستم آمریکا و فرانسه) و یا بر مبنای رأی پارلمان و ائتلاف احزاب (سیستم آلمان و انگلیس) کار خواهد کرد و یا مثلاً" تشکل های صنفی چه نقشی در مدیریت جامعه دارند و.. و چگونه تشکل و کارکرد و انتخاب قضات دادگاه ها و دیوان عالی کشور و... را قانون اساسی مشخص خواهد کرد، که در چهارچوب بحث قانون اساسی بدانها خواهیم پرداخت.

